

عجیب‌ترین فرقه‌های آمریکایی

فرار از دست برق و تلفن، مقدس دانستن ما کارونی، تشویق به آدم‌خواری و... گوشه‌ای از مناسک فرقه‌های آمریکایی است



دکتر مریم ذاکری | خبرنگار

پرونده
شاید باورش سخت باشد اما حتی در جوامع پیشرفته دنیا، کشورهایی پیدا می‌شوند که مردمانش به فرقه‌هایی اعتقاد دارند که پر از دستورات خرافی و بی‌منطق است. فرقه‌هایی کمتر شناخته‌شده که مردم بعضی کشورها به آن‌ها پایبند هستند و بدون هیچ دلیل عقلی و منطقی به دستورات آن‌ها عمل می‌کنند. به طور مثال در آمریکا صدها فرقه که عمدتاً در ظاهر از مسیحیت منشعب شده‌اند، به رسمیت شناخته می‌شوند. بعضی از این فرقه‌ها عقاید عجیب و خوفناک دارند و بسیاری از آن‌ها تنها در پی سودجویی بنیان‌گذارانشان به وجود آمده‌اند. در ادامه این مطلب قصد داریم شما را با تعدادی از این فرقه‌های مذهبی و اهداف و مناسک آن‌ها آشنا کنیم.

ساینتولوژی|این تتان چی هست اصلاً؟

«ال‌ران‌هابارد» نویسنده کتاب‌های علمی تخیلی در سال ۱۹۴۹ کتابی با نام «دیانیتیک: دانش مدرن سلامت ذهن» منتشر کرد. این کتاب با فروش بسیار خوبی مواجه شد و این استقبال، نویسنده آمریکایی را بر آن داشت تا بنیادی را به همین منظور تأسیس کند. با گذشت زمان، بنیاد او به لحاظ مالی رو‌شکسته شد و از همین رو هابارد با زیرکی، فرقه‌ای جدید به نام ساینتولوژی را بنیان‌گذاری کرد! با تغییر نام این مرکز از بنیاد به مذهب، هابارد می‌توانست در آمریکا از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند شود. سرانجام در ماه اکتبر سال ۱۹۹۳ دولت آمریکا ساینتولوژی را به عنوان مذهب پذیرفت و بدین طریق کلیه فعالیت‌های اقتصادی این مرکز تحت پوشش آزادی مذاهب در آمریکا قرار گرفت. ساینتولوژی با علم‌گرایی بر پایه سه اصل بنیاد نهاده شد: روح انسان فناپذیر است، تجربه‌های انسان بیشتر از یک دوره محدود زندگی است و انسان موجودی است با توانمندی‌های نامحدود. بر اساس تعالیم ساینتولوژی، عنصری نامیرا در وجود هر فرد به تان‌تان قرار دارد. تتان‌ها هستند که به اعضای بدن دستور می‌دهند و افکار و حرکات را در انسان کنترل می‌کنند، نه سیستم عصبی. طبق باور آن‌ها، تتان‌ها زندگی‌های متعددی را در بدن انسان‌ها با سایر موجودات چه در کره زمین و چه در دیگر سیارات از سر گذرانده‌اند. ساینتولوژی یک نظام سلسله‌مراتبی با گذراندن دوره‌های مختلف ایجاد می‌کند. مؤسسان این فرقه مدعی هستند با طی کردن این مراحل افراد می‌توانند بر توانایی‌های خود واقف شوند و تسلط کامل بر زندگی، ماده، انرژی، فضا و مکان داشته باشند. طی کردن این دوره‌ها هزینه‌های بسیاری را برای شرکت‌کنندگان در بر دارد و بسیاری از اعضای‌های سنگین به کلیسای ساینتولوژی دارند. از آن‌جا که شماری از سیاستمداران با نفوذ آمریکایی از این فرقه حمایت می‌کنند، با وجود مدارکی که افبی‌آی از جاسوسان ساینتولوژیست به دست آورده، هرگز مقابله‌ای با آن‌ها صورت نگرفته است. چند سلب‌ریتی آمریکایی مثل تام کرو از اعضای این فرقه عجیب هستند. مقر اصلی ساینتولوژی در ساختمانی به نام بیگ بلور در شهر لس‌آنجلس واقع شده است که اعضای ارشد و دستچین شده این فرقه در آن ساکن هستند. این افراد بونیفیرم‌هایی شبیه نیروی دریایی آمریکا به تن می‌کنند و تنها اجازه دارند به دیگر اعضا از دواج کنند. اما اگر قصد بچه‌دار شدن داشته یا دارای فرزندی زیر شش سال باشند، باید این مرکز را ترک کنند و با شش ساله شدن فرزند مجاز به بازگشت به مرکز هستند. این کودکان در مدارس مخصوص ساینتولوژیست‌ها آموزش می‌بینند و تنها در روزهای آخر هفته اجازه دارند به دیدار والدین‌شان بروند. دوفورزند خوانده تام کروز هم عضو این فرقه هستند و در این مدارس تعلیم دیده‌اند. تعداد اعضای کلیسای ساینتولوژی در آمریکا ۵۰ هزار نفر تخمین زده شده است.

هیولای اسپاگتی‌پرنده|موجودی شبیه کوفته قلقلی!

این نام فرقه‌ای است که در کشور های هلند و نیوزیلند به عنوان مذهب به رسمیت شناخته شده است. در سال ۲۰۰۵، جوانی ۲۴ ساله به نام بابی هندرسون این مذهب را پایه‌گذاری کرد. او مدعی است جهان و هر چه در آن است توسط موجودی مافوق طبیعی شبیه کوفته قلقلی به نام هیولای اسپاگتی‌پرنده به وجود آمده است. این هیولا نادیدنی و دست‌نیافتنی است و پس از باده‌گساری فراوان تصمیم گرفته جهان را خلق کند و نواقصی که در دنیا وجود دارد در پی هوشیار نبودن کامل او در زمان آفرینش رخ داده است! حتی در نظر او شواهدی که تئوری تکامل یا فرگشت را تأیید می‌کنند به علت هوشمندی این موجود و به طور تصادفی بر سر راه دانشمندان قرار گرفته است. ادعاهای هندرسون در فضای اینترنت توجه بسیاری را به خود جلب کرد تا جایی که در سال ۲۰۰۷ کلیسای هیولای اسپاگتی در ایالت فلوریدای آمریکا تأسیس شد. جالب است بدانید پیروان این فرقه بخشی از درآمد ماهانه خود را به این کلیسای می‌پردازند. غذاهایی مانند ما کارونی، نودل، اسپاگتی و هر پاستای دیگری از دید پیروان هیولای اسپاگتی پرند غذا های مقدس شمرده می‌شوند و آبکش به دلیل کار بردش در طبخ این غذا ها وسیله‌ای مقدس و شایسته احترام است. آن‌ها معتقدند آبکش را باید روی سر گذاشت تا حجاب آبکش از فرد محافظت کند. حتی کریستوفر شفر، یکی از اعضای شورای شهر نیویورک که به این آیین گرویده، برای ادای سوگند به نشانه مصونیت از گناه و اشتباه آبکش روی سرش گذاشته بود. روز تعطیل برای آن‌ها روز جمعه است و کتاب‌شان انجیل هیولای اسپاگتی‌پرنده نام دارد!

آمیش‌ها|فراری از برق و تلفن

فرقه «آمیش» توسط شخصی به نام یاکوب آمان در سال ۱۶۴۳ در سوئیس بنیان نهاده شد. پیروان این فرقه با گذشت زمان و به علت فقر و پذیرش نشدن توسط سایر مسیحیان در اوایل قرن هجدهم به آمریکای شمالی مهاجرت کردند. بزرگ‌ترین مشخصه پیروان آمیش، دوری آن‌ها از فناوری و همه ظواهر آن است. آمیشی‌های سنتی از برق استفاده نمی‌کنند و منازل خود را با چراغ‌های نفتی روشن نگه می‌دارند چرا که معتقدند ورود برق به خانه‌ها ممکن است افراد را دچار زیاده‌خواهی کند. تلفن هم در منازل آمیشی جایی ندارد. از دید آن‌ها تلفن فضای بیرون را به داخل خانه می‌کشاند و آرامش مقدس خانواده را از بین می‌برد. این افراد کلیسائدارند و مناسک مذهبی را در منازل خود انجام می‌دهند. بسیاری از آمیش‌ها به مشاغل سنتی همچون کشاورزی و دامداری می‌پردازند و برای این کار از ابزارهای ابتدایی بهره می‌برند. جلوگیری از بارداری در این مذهب قدغن است و یک خانواده آمیشی به‌طور متوسط هفت فرزند دارد. آمیش‌ها به دلیل مخالفت با جنگ به ارتش نمی‌پیوندند و از بیمه و خدمات دولتی بهره نمی‌برند، هر چند به عنوان شهروندان آمریکا موظف‌اند مالیات بپردازند. مردم آمیش به لحاظ پوشش دارای سختگیری‌های زیادی هستند. تمام لباس‌هایشان با دست دوخته می‌شود و لباس یک آمیش سنتی، فاقد دکمه است. زن‌ها لباس‌های بلند با رنگ‌های مات می‌پوشند. استفاده از هر نوع جواهر و زیورات برایشان ممنوع است بنابراین در هنگام ازدواج حلقه دریافت نمی‌کنند. همچنین کودکان آمیشی تنها تا کلاس هشتم به مدرسه می‌روند

کلیسای اوتانازی|خودکشی به نفع محیط زیست!

این فرقه در سال ۱۹۹۲، توسط ریوئورد کریس گردا و پاستور رابرت کیمبرک در بوستون بنیان‌گذاری شد. از دید پیروان این کلیسا تنها راه مقابله با جمعیت مازاد، مشکلات زیست محیطی، برقراری تعادل بین منابع و تعداد مصرف‌کننده و همچنین حفظ نسبت جمعیت انسان به سایر موجودات، یک مرگ خودخواسته عظیم است. این فرقه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های ضد انسانی است که پایه‌های اصلی آن را خودکشی، آدم‌خواری، سقط جنین و انحراف جنسی (بدون امکان تولید مثل) تشکیل می‌دهند. اعضای این کلیسا با برگزاری جشن‌ها، راهپیمایی و اجراهای خیابانی توجه مردم را به خواسته‌های خود جلب می‌کنند. در بسیاری از مراسم جمعی آمریکانیز پلاکاردهایی با شعارهای «می‌خواهی زمین را نجات بدهی؟ خودت را بکش!» یا «محض راضی خدا جنین احمق خود را بخور» به چشم می‌خورد. در سال ۲۰۰۱ و پس از حملات ۱۱ سپتامبر وب سایت این کلیسا تصویری از حمله هواپیما به برج دوقلو را به همراه موزیکی به نام «می‌خواهم تماشا کنم» پخش کرد که این اقدام واکنش‌های بسیاری را در سطح جامعه آمریکا برانگیخت. از دیگر فعالیت‌های این کلیسا ارائه راه‌حل‌هایی برای خودکشی است. در سال ۲۰۰۳ زنی ۵۲ ساله در میزوری آمریکا با به کار بردن دستورالعمل این وب سایت و استفاده از گاز هلیوم خود را خفه کرد، پس از آن و با برخورد پلیس آمریکا قرار گرفتن این دستورالعمل‌ها روی وب سایت کلیسا با محدودیت‌هایی مواجه شد، هر چند سایر فعالیت‌های این فرقه آزادانه در حال انجام است. آمار دقیقی از تعداد اعضای این کلیسادر دست نیست.



مورمونیزم|طرفداران چند همسری

«مورمونیزم» فرقه‌ای منشعب از مسیحیت است که در سال ۱۸۲۰ توسط نوجوان ۱۵ ساله‌ای اهل نیویورک به نام جوزف اسمیت بنیان‌گذاری شد. اسمیت در روایی دید که دو هیبت با شکوه بر او ظاهر شدند و از او خواستند که به هیچ‌یک از کلیساهای موجود آیین مسیحیت نپیوندد چون همان‌ها از فرمان خدا تخطی می‌کنند! سه سال بعد یعنی زمانی که اسمیت تنها ۱۸ سال داشت ادعا کرد که فرشته‌ای به نام مورمون از سوی خداوند بر او وحی نازل می‌کند. پس از مرگ اسمیت و گرویدن پیروانش به بریگ‌هایم یونگ، ایالت یوتا به عنوان خاستگاه این فرقه در جهان انتخاب شد. هم‌اکنون بیش از شش میلیون پیرو مورمونیزم از میان حدود ۱۶ میلیون مورمون جهان در آمریکان زندگی می‌کنند (تقریباً ۲ درصد از کل جمعیت این کشور). جالب است بدانید رهبر این کلیسا در سال ۲۰۱۱ به دلیل عقد همزمان دو دختر بچه به حبس ابد محکوم شد و برادرش که رهبر فعلی این کلیساست به اتهام پول‌شویی تحت پیگرد قرار دارد. مورمون‌ها موظف‌اند دو سال از عمر خود را (پسران پایان ۱۸ سالگی و دختران پایان ۱۹ سالگی) به عنوان پیام‌آور به ترویج مذهب خود بپردازند. بسیاری از این جوانان زبان‌های جدیدی می‌آموزند و به نقاط مختلف جهان اعزام می‌شوند. در نیمه دوم قرن نوزدهم بر اساس تعلیم مورمونی چند همسری چه برای مردان و چه برای زنان جایز شمرده می‌شد. آن‌ها معتقد بودند این کار به افزایش هر چه بیشتر جمعیت‌شان در میان سایر مذاهب آمریکا کمک خواهد کرد. در اواخر این قرن و با فشارهای حزب جمهوری خواه، گردانندگان کلیسامجبور به نهی چند همسری شدند، هر چند ره‌گزآن را حرام اعلام نکردند.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۸
۱۸ جمادی الثانی ۱۴۴۱ ۱۳ فوریه ۲۰۲۰
شماره ۲۰۲۱۷

۱۵۳۸

یک استان زیر آوار برف!

روایت خبرنگار گیلانی ما از شرایط بحرانی و غیر قابل باور هم‌استانی‌هایش در چند روز اخیر

راضیه حسینی | خبرنگار

از یک‌شنبه شب گذشته، طبق پیش‌بینی‌هایی که هواشناسی در طول یک هفته گذشته اعلام کرده بود، برف در گیلان شروع شد و کم‌کم تمام شهرها و روستاهای استان را فراگرفت. همه‌ما آماده‌این برف و کولاک بودیم و به هشدارهای کانال‌های معتبر هواشناسی، کاملاً از شدت بارش‌ها مطلع بودیم. بزرگ‌ترهای خانواده به مایادآوری کرده بودند که حتماً لباس‌های گرم‌مان را دم‌دست بگذاریم و جوری برنامهریزی کنیم که در چندروز اول بعد از بارش برف، نیازی نباشد که مدام به بیرون از خانه برای خرید... برویم. در این بین و از اواخر یک‌شنبه شب برف آرام‌آرام شروع به باریدن کرد و در روز دوشنبه شدیدتر شد. انتظار می‌رفت با سخت‌تر شدن شرایط شهر، مسئولان برای حل مشکلات (که منطقاً باید از قبل برنامهریزی می‌کردند) اقدام کنند، اما برعکس آن برق بعضی از مناطق به خصوص روستاها قطع و در دسرها جدی‌تر شد. این قطعی برق، با ادامه بارش به شهرها هم سرایت کرد و مردم در خاموشی فرو رفتند. بارش مشکلات بر سر مردم ادامه پیدا کرد و ارتباط تلفنی باروستاها کاملاً قطع شد و دیگر به تلفن‌های همراه امید نبود چون خط ارتباطی بسیار ضعیف شده بود و از طرفی باتری‌های تلفن‌های همراه هم نف‌س‌های آخرشان را می‌کشیدند. این اتفاق، همه را از وضعیت آشناها و فامیل در شهرها و روستاهای اطراف نگران و استرس‌زادی را به مردم تحمیل کرد.



مشکل قطعی برق، فقط خاموشی نیست!

تا الان که ساعت ۱۵ روز چهارشنبه است، برق در بسیاری از مناطق شهر رشت که مرکز استان گیلان است، قطع شده و هنوز هم این قطعی ادامه دارد و این اتفاق فقط به خاموشی ختم نمی‌شود چرا که سیستم گرمایشی بسیاری از خانه‌های جدید و امروزی یکپنج است و برق که نباشد، عملاً گرمایی هم وجود ندارد و الان ما با سرمایی سخت دست‌وپنجه نرم می‌کنیم و شرایط به خصوص برای بچه‌ها و سالمندان، غیر قابل تحمل است.

پرتاب چوب به سمت کابل‌های برق!

هم‌اکنون، مردم زیادی در خانه‌ها زندانی شده‌اند. نمی‌توان خودرها را بیرون آورد و کوچه‌ها تا بیش از یک متر زیر برف هستند، فراموش نکنید که ما در شهر هستیم، آن‌هم رشت و وضعیت‌مان این است. امروز بیزمردی را دیدم که از روی پشت‌بام داد می‌زد تا فردی برود و برایش درو بخرد. باید بپذیریم که ما مردم هم برای مقابله با این شرایط هیچ آمادگی نداریم و الان نمی‌دانیم که دقیقاً باید چطور به یکدیگر کمک کنیم. به‌طور مثال در ساعات اولیه صبح امروز (چهارشنبه)، زمانی که همسایگان ما از نگرندن به اداره برق کمک گرفتند، از آن‌ها نامید شدند، تر جیح دادند خودشان دست به کار شوند و بر فوری کابل‌های برق را بریزند بلکه مشکل حل شود. صحنه جالبی بود. از طبقات بالا چوب‌پرت می‌کردند روی کابل‌های برق تا برف‌ریزد اما متأسفانه این تلاش فایده‌ای نداشت، به‌جز شکسته‌شدن شیشه چند خانه و برقی که قطع ماند.

حمل‌ونقل عمومی هم یخ‌زده است!

این شب‌ها می‌دانم این است که صدای یک لودر بیاید تا اسکوتر ایشکوندو مردم از باز شدن کوچه‌هایی که پر از برف شده، خوشحال شوند. همه کارمندان، امروز مسیر خانه‌تا اداره را پیماده رفتند. یکی از کارمندان می‌گفت «۲ ساعت در راه بودم و بارها در مسیری که کاملاً یخ‌زده بود سر خوردم ولی نه اتوبوسی دیدم و نه خودروی عمومی. انگار حمل‌ونقل عمومی هم یخ‌زده!»

وضعیت در روستاها به مراتب بدتر است

وقتی از اوضاع و احوال چند نفر از فامیل‌ها و آشناهای مان در روستاهای گیلان باخبر شدم، اشک در چشم‌انم جمع شد. مردم روستای برکاده، خشت مسجد و بسیاری دیگر، سه‌روز را بدون برق و تلفن گذرانده‌اند، راه‌های ارتباطی‌شان کاملاً قطع است و هیچ خودرویی امکان رفت‌وآمد به آن‌جا ندارد. باید توجه داشت که در روستاها وقتی که برق نباشد، پمپ‌آبی که از چاه می‌کشند، قطع می‌شود و عملاً آب در دسترس ندارد و این چنین یک زندگی به‌طور کامل مختل می‌شود. در ضمن، حیوانات روستانیز گرفتار برف شده‌اند و سقف بعضی از لانه‌ها و مکان‌های نگهداری از حیوانات فرو ریخته است. یکی از روستاییان به من می‌گفت «۲۵۰ لیتر شیر گاوی که هر روز می‌فروخته، روی دستش مانده و باید دور بریزد».

هنگام زلزله صدای جیغ شهر را پر کرد!

در همین شرایط، زلزله‌ای ۲ ریشتری هم رشت را لرزاند و ما بر خلاف شرایط عادی که باید به سمت کوچه‌فرار کنیم در خانه‌ها مانده‌ایم. نمی‌توانیم بیرون برویم، راه کوچه‌ها بسته است و جایی برای فرار نیست! به محض احساس زلزله هر چند که شدید نبود اما صدای جیغ و فریاد مردم از خانه‌ها بلند شد چرا که ترسیده بودند و راه فرای هم جلوی پایشان نبود و هنوز هم نیست.

به داد گیلان برسید، بحران جدی است

هم‌اکنون، درخت‌های زیادی را اثر شدت برف شکسته‌اند و خساراتی به خودروهای پارک‌شده وارد آوردند و کوچه‌ها پر از برف‌های یخ‌زده است. بیش از یک هفته اطلاع‌رسانی کافی نبود تا مسئولان به‌هوش باشند و بر فرب‌ها را آماده کنند؟ باز هم همان داستان برف بزرگ ۱۳۸۳ اتفاق افتاد و مدیریت بحران دچار بحران شد! خواهش می‌کنم به داد گیلان برسید و مردم این استان را در پایید، بحران جدی است.